



18 جنوری 2017



داکتر سید عبدالله کاظم

توضیح مختصر خدمت داکتر صاحب هاشمیان درباره شهادت امیر حبیب الله خان سراج المله

دانشمند گرامی جناب داکتر صاحب!

پس از دعای صحت و سلامتی و تشکر از لطف همیشگی شما، طوریکه بارها گفته ام وجود شما برای جامعه فرهنگی کشور یک غنیمت بزرگ است و ماشاءالله حافظه قوی شما در بیان خاطرات گذشته یک استعداد ذاتی و نیز عطیه خداوندی میباشد که به شما عنایت فرموده و ما از آن مستفیض میگردیم. در ارتباط به نوشته شما تحت عنوان "نکاتی پیرامون شهادت امیر حبیب الله خان" و سؤالاتی که از این کمترین فرموده اید، احتراماً چند نکته بعرض میرسد:

1 - راجع به نقش علی احمد خان ایشک آقاسی ملکی و مستوفی الممالک میرزا محمد حسین خان در متن اقتباس شده از سراج التواریخ که در نوشته اینجانب درج گردیده، توضیحاتی در هر مورد داده شده است. اینکه مردم و یا بعضی ها آنها را به "خائن، نمک حرام و خودفروش و..." یاد میکنند، موضوع جداگانه است. اما اینکه قاتل امیر، شجاع الدوله خان خواهد بود، بر علاوه اینکه خودش به قول پسرش آنرا رد کرده است، نتیجه تحلیل اینجانب نیز نشان میدهد که این احتمال بسیار ضعیف میباشد، چون چهار اطراف امیر را در آنشب بیشتر اعضای خانواده صاحبان حلقه کرده بودند که آنها با شجاع الدوله خان در یک حلقه قرار نداشتند و اگر شجاع الدوله را بالفعل یا هنگام خروج از خوابگاه امیر دستگیر میکردند، بطور قطع او را بازداشت و افشاء میکردند. اتهام بر شجاع الدوله خان به دلیل لت و کوب و تحقیر او توسط امیر یک دلیل بسیار قوی نیست، زیرا اینکار امیر چنان عام شده بود که هیچکس از آن در امان نبود. منطقی هم نیست که به دلیل تحقیر، یک شخص تصمیم به قتل یک پادشاه بگیرد. این افواه بیشتر وقتی سرزبانها افتاد که رژیم امانی سقوط کرده بود و بعد دوره سقاوی کسی جرأت نمیکرد درباره قاتل امیر یا حلقه مربوطه آن زبان به کلام بکشد و ناگزیر مسئولیت را بیشتر به کسی حواله میدادند که او فاقد قدرت و خارج از افغانستان بود و نیز حلقه مظنون می خواست که با اتهام بر شجاع الدوله اساساً دست شاه امان الله را در قضیه دخیل سازند. درحالیکه امیر نصرالله خان در حضور عساکر علناً از احمد شاه خان پسر عم سپهسالار محمد نادر خان به حیث قاتل امیر نام برد و سردار شیر احمد خان نیز از قول برادر خود بنابر اظهارات عساکر این موضوع را بیان کرده است.

2 - درباره اینکه شهزاده امان الله خان و سردار نصرالله خان رابطه مؤدت خود را در حاشیه قرآن کریم امضا کرده باشند، شاید درست باشد، چنانکه مرحوم غبار نیز آنرا از قول کسی در جلد اول کتاب خود آورده است و شما آنرا با ذکر جزئیات بیان کرده اید. نمیدانم با نزدیکی علیا حضرت و سردار نصرالله خان و نیز روابط دوستانه امان الله خان با عمش چه ضرورتی بود که آنها تعهد خود را درج در حاشیه کلام الله مجید نمایند. آیا آنها بر یکدیگر بی اعتماد بودند؟ اگر چنین پیمانی درج قرآن مجید شده و آن نزد نصرالله خان در جلال آباد بوده باشد، چرا نصرالله خان آنرا به حیث یک سند برای قبول امارت

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

خود از طرف امان الله خان به رخ او نکشید و آنرا موئید ادعای بیعت قبلی امان الله خان بر امارت او نکرد؟

3 - دست داشتن مشروطه خواهان در قتل امیر نیز یک افواه دیگر است، چون هیچیک از گروه مشروطه خواهان که قبلاً عزم قتل امیر را کرده بودند، شامل حلقه نزدیک و همرامان امیر در جلال آباد نبودند. اگر آنها می توانستند در حلقه خاص اطرافیان امیر نفوذ کنند، هیچگاه برای قتل امیر در "سربام" و معبر امیر در راه عام کمین نمی گرفتند. بعد از سوء قصد اول، حلقه محافظت امیر جدی تر گردید و افواه سوء قصد دوم حلقه محافظین را قوی تر ساخت، طوری که در اطراف خیمه امیر در همان شب در حدود سه هزار عسکر موجود بود و چند حلقه محافظ در بیرون و درون خیمه وظیفه دار بودند که رسیدن اشخاص غیر را در خوابگاه امیرمشکل و حتی ناممکن می ساخت، مگر به کمک همین محافظان و آنهم برطبق یک پلان قبلی.

4 - آنچه محترم ارسلا صاحب درباره مصطفی "صغیر" یا "ساغر" نوشته اند، قبلاً این موضوع را لوئیس دوپره در کتاب "افغانستان" نوشته و اینجانب آنرا با ذکر مأخذ بیان داشته و نیز مرحوم فرهنگ از آن در کتاب خود یاد کرده و احتمال قتل بدست او را رد کرده است. گمان من بیشتر به همین راستا است که قتل امیر به دلائلی که در نوشته خود به آن اشاره کرده ام، طرحی بوده از جانب انگلیسها و طوری که خود مصطفی صغیر اعتراف کرده و گفته است که او امیر حبیب الله را به قتل رسانیده است، بیشتر به واقعیت قرین است. اینکه چگونه برای ورود این ایجتت زمینه سازی شده، واضح است که همچو عملیات بوسیله یک دولت مجرب در این کارها بعید از امکان بوده نمیتواند و این خود میرساند که قبلاً با اشخاصی نزدیک به حلقه خاص محافظان برای فراهم سازی زمینه تماس های برقرار گردیده بود. به قول مرحوم غبار: وقتی عسکر قاتل را دستگیر کرد درحضور شاه علیرضا خان صاحب منصب بالا رتبه فوری پیدا شد و به روی عسکر سلی محکم زد و آن شخص را از نزد عسکر رها کرد و گفت که خاموش باشید امیر صاحب خواب استند. این صاحب منصب بالا رتبه کی بوده میتوانست، به جز یک شخصی که قوماندان عمومی قوای عسکری و آمر مافوق همه قوای محافظ امیر بود.

5 - با آنکه ادعایی مبنی بر اتهام قتل بدست شخص شاه علیرضا خان مستقیماً وارد نشده، اما اینکه او چرا محکوم به اعدام گردید، به گمان اغلب به چند دلیل بوده میتواند: یکی اینکه وقتی قاتل به وسیله عسکر محافظ گرفتار گردید و در همان لحظه صاحب منصب بالاتر او رها کرد، از دو حالت خالی نبود: یا اینکه شاه علیرضا او می شناخت، اما هرگز در شورای تحقیق او را معرفی نکرد و دیگر اینکه او را نمی شناخت و به امر صاحب منصب بالاتر او را گذاشت تا برود و ناپدید شود. او چرا این صاحب منصب بالا رتبه را معرفی نکرد و درباره او سخن نگفت که کی بود و همچنان صورت همکاری شاه علیرضا با سردار نصرالله خان نیز میتواند به موضوع جزای او اثر داشته باشد. متأسفانه هیچ سندی از جریان محاکمه موصوف در دست نیست. به احتمال قوی که او قربانی خاموشی و کتمان از معرفی قاتل و یا معرفی صاحب منصب بالا رتبه شده باشد. اینکه شخصاً شاه امان الله شمشیر در دست گیرد و گردن او را بزند، غیرقابل قبول میباشد که پادشاه خود را در چنین موقفی قرار دهد و آنهم یک پادشاه بسیار رؤف و ملایم طبع که در خصلت او چنان شدت عمل وجود نداشت.

6 - اینکه فرموده اید: «قتل امیر یک تصمیم انفرادی نبوده، بلکه از سوی حزب سری دربار با مشورت رجال مؤثر دربار، بشمول نائب السلطنه برادر امیر، عین الدوله پسر امیر و سپه سالار محمدنادرخان و برادرانش و محمد ولیخان دروازی و شجاع الدوله خان غوربندی طرح و تطبیق شده است...»

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

جای شک نیست که قتل امیر یک توطئه قبلاً پلان شده بود، ولو قتل بدست یکنفر صورت گرفته و اما در عقب آن دست های دیگر زمینه ساز این عمل بوده اند. چیزی که پای همه اشخاص فوق را در مجموع بنام "حزب سری دربار" می کشاند، یک اندازه قابل سؤال است، زیرا اگر عمیقاً به ترکیب آنها از نظر ارتباط و همفکری دیده شود دست کم سه جناح در آن مطرح میشود: یکی نصرالله خان با افکار محافظه کارنه و ضدیت با انگلیس، دیگر شاه امان الله و گروپ جوانان مترقی و ضد انگلیس و سوم سپهسالار محمد نادر با افکار مترقی اما قلباً متمایل به انگلیس، چنانکه وقتی امیرحبیب الله خان بیطرفی افغانستان را در جنگ اعلام کرد، محمد نادرخان برعکس نظر اولی خود حمایت خود را از نظر امیر ابراز نمود. این موضوع را علامه فیض محمد کاتب تذکر داده است. لذا با این تفریق و تفاوت نظر بین گروپ اشخاص فوق الذکر همکار و متفق الرأی شدن آنها در اجرای قتل امیر مشکل و غیرقابل باور معلوم میشود.

7 - در مورد نام گذاری مناصب و مقامهای عسکری و ملکی از زبان ترکی باید عرض شود که بعضی آنها سابقه طولانی دارند، مثلاً "ایشک آقاسی" مفرس و معمول آن از سالها قبل "شاه غاسی" به معنی آمرعمومی یا وزیر بوده و نیز "فراش باشی" از زمان امیر شیرعلی خان معمول بود. القاب دیگر احتمال دارد با نزدیکی دربار امیر با دربار عثمانی و تقلید بسا مسائل از آنجا و استخدام دو سه نفر صاحب منصبان ترکی در امور نظامی مناصب فوق به آن نام ها یاد شده باشد. امین العسس، امین الوجوهات و نظایر آن که ترکیب عربی میباشند، احتمالاً به تقلید از دربار ایران به دربار امیر حبیب الله خان راه یافته باشد. در این ارتباط کوشش میکنم تا سوابق آنرا در مآخذ مختلف جستجو نمایم با عرض ارادت

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ